

نگاهی به فرهنگ شیعیان دکن

عمر خالدی^۲

ترجمه: محمدمهدی توسلی^۲

مذهبی از بخشهای شمالی هند و شهر دهلی مهاجرت کردند و در دکن ساکن شدند. تعداد شیعیان مهاجرت کرده به دکن هنوز مشخص نیست. با این حال اسناد و مدارک کافی برای اثبات حضور بزرگان شیعی یا با تمایل شدید به شیعه که در دربار بهمنیان بودند، وجود دارد. با وجود این که بیشتر کارگزاران رسمی دربار از اهل سنت بودند، عملاً سنیگری با اصول و طریقه «تفضیلیه»، که معتقد به برتری افضلیت امام علی (ع) و ائمه جانشین وی بودند، رواج داده شد. در سال ۱۴۲۹ میلادی احمدشاه ولی بهمنی (۱۴۲۶-۱۴۲۳ م) آشکارا به تشیع روی آورد. دو فرقه از مهمترین فرقه‌های سیاسی دربار بهمنیان، یعنی افاقی (شیعیان خارجی) و دکنی (شیعیان بومی)، فرقه‌گرایی و نیز رقابت نژادی را ترویج کردند. افاقیها برخلاف مهاجران ترک از طریق راههای دریایی و بنادر غربی و جنوبی سواحل هند به دکن آمدند. مسیر تجاری اقیانوس هند، یکی از راههای ارتباطی خلیج فارس به سواحل غربی و جنوبی هند بود که این امر نیز، از عوامل اصلی مهاجرت سربازان، اهل قلم، مدیران و افراد برجسته به سوی دکن شد. این مهاجرت همزمان با حمله مغول به ایران، از قرن ۱۳ میلادی به بعد، صورت گرفت. به

مقدمه: بزرگترین اقلیت شیعیان در خارج از مرزهای ایران مربوط به دو کشور هند و پاکستان است. براساس سرشماری سال ۱۹۲۱ میلادی، یعنی زمانی که شیعیان مجزای از اهل سنت سرشماری شدند، تقریباً نزدیک به ده درصد از کل جمعیت جهان را شیعیان تشکیل می‌دادند. نسبت تبلیغات دینی بر روی هر دو گروه ثابت است. با وجود جمعیت زیاد شیعیان، مطالعات کاربردی اندکی در مورد این فرقه صورت گرفته است. این مقاله سعی دارد از سده پانزده هجری تا به امروز به تشریح و تجزیه و تحلیل مبدا تحول و سیر تکامل شیعیان دکن بپردازد. هم چنین روابط فی‌مابین هر دو گروه شیعه و سنی در منطقه و نیز تقابل آنها را در دیگر مناطق هند بررسی کند.

شیعیان دکن

حکومت مسلمانان در دکن، در اواخر سده ۱۲ میلادی تاسیس شد. این زمان مقارن با حمله سلطان علاءالدین خلجی به دهلی بود (۱۲۹۶ م). این تاخت و تازها تا اوایل سده ۱۴ میلادی ادامه یافت. بین سالهای ۱۲۹۶ تا ۱۳۴۷ میلادی، درست زمانی که حکومت بهمنیان شکل گرفت، سربازان ترک یا هندی، ماجراجویان، محققان و روحانیون

را از علمای شیعه اعلام کردند و به ساختن مساجد، عاشرخانه برای یادبود شهادت حضرت امام حسین (ع)، احداث مدارس علمیه و گورستانهای ویژه شیعیان اقدام کردند. پیروان دوازده امامی اصولی در گلکنده، همانند همکیشان خود در بیجاپور، با قدرت مسلط شدند.

شاهجهان امپراتور مغول، در ۱۶۳۶ * قطب شاهیان را تحت فشار قرار داد تا آنان شیوه اعتقادی شیعیان را در نماز، جمعه، از جمله ذکر شاهان صفوی در خطبه را، رها کنند. گلکنده بعد از یک محاصره نه ماهه در ۱۶۸۹ م به دست نیروهای مغول افتاد. نقش محققین مهاجر شیعه مذهب ایرانی در گسترش عقاید دوازده امامی در سده شانزدهم در دکن توسط شاه طاهر تکرار شد. وی به خاطر حضور در یک خانواده اسماعیلی در ایران، به شیعیان پیوست و بعدها به دلیل سیاسی به دربار برهان نظام شاه (۱۵۰۸۵۳ م)، در اورنگ آباد، واقع در دکن غربی، مهاجرت کرد. در آنجا وی سلطان را متقاعد کرد به مذهب شیعه درآید و بعدها توسط سلطان به وزارت رسید.

شیعه‌گرایی برای چندین نسل در میان شخصیت‌های فرهنگی دکن نفوذ پیدا کرد. احمدنگر نیز در ۱۶۳۳ م همانند دیگر بخشهای جدا شده از امپراتوری بهمنیان، توسط شاهجهان به قلمرو امپراتوری مغول پیوست. درباره انگیزه مغولان جهت غلبه بر سلطنت شیعیان در دکن مطالب زیادی نوشته شده است. مورخین مشهور و تاریخ‌دانان متعصب، بیشتر به تعصب اصلاح‌گرایانه اورنگ زیب به عنوان امپراتور سنی مذهب و حاکم پرهیزگاری که گلکنده و بیجاپور را ضمیمه امپراتوری مغول کرد استناد می‌کنند. اغلب فراموش شده است که هیچ قدرتی در دهلی نمی‌توانست دکن مستقل را تحمل کند سلاطین دهلی تا آنجا که می‌توانستند ناحیه جنوب هند را کنترل می‌کردند؛ مغولان استقلال دکن را نابود کردند؛ بریتانیایی‌ها از سده ۱۸ به گونه‌ای غیرمستقیم توسط حکومت نوایان نظام بر این ناحیه فرمان راندند؛ و بالاخره دولت هندی مستقل از حزب کنگره، از طریق نظامی، حیدرآباد را ضمیمه حکومت مرکزی کرد. هیچ حکومت مرکزی، از دیگر سو، به خاطر وابستگی مذهبی حکمرانان دکن، بقای دکن مستقلی را اجازه نمی‌داد.

در هر حال، بزرگان سنی بیجاپور از اورنگ زیب جداً درخواست کردند که آنها را از ظلم مراتی‌ها و برهمن‌های تلگو زبانی که قدرت را در بیجاپور و گلکنده از دست

را از گروهید صفویان به تسخیر بزرگان ایرانی اغلب از شیعیان پیروی کردند. هم از نظر دیپلماسی و هم از نظر فرهنگ نخبگان، شیعیان دکن وابستگی بیشتری به ایران پیدا کردند. علمای ایرانی با ورود خود به دکن، یک سری از اصول و عقاید تشیع از قبیل اقامه نماز جماعت و نماز جمعه در مساجد را ترویج کردند. مهاجرت شاه خلیل‌اله فرزند شاه نعمت‌اله ولی کرمانی (وفات ۱۲۳۱ م)، مؤسس فرقه صوفیان نعمت‌اللهی، یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های مهاجرت ایرانیان به دکن محسوب می‌شود. در ایران، در آستانه قرن ۱۹ م، جنبش مذهبی دیگری از این فرقه توسط رضاعلی شاه دکن، سیزدهمین جانشین شاه‌نعمت‌اله، تاسیس شد. وی میریدی از بیدر به شیراز روانه کرد.

در ابتدای قرن ۱۶ م، قلمرو بهمنیان به پنج شاخه (ناحیه) تقسیم می‌شد که دو ناحیه از آنها به نامهای بیجاپور و گلکنده توسط حاکمان شیعه اداره می‌شد. در جنوب غربی دکن، بیجاپور بین سالهای ۱۵۰۲ تا ۱۵۰۳ م تحت حکومت شیعیان و در سالهای ۱۵۵۸ تا ۱۵۵۹ م زیر نفوذ فرمانروایان عادل شاهی اداره می‌شد. تجار ایرانی با تجارت اسب از خلیج فارس به بیجاپور نقش مهمی داشتند و نخبگان آنها در دکن رسمیت زیادی پیدا کرده بودند. یوسف عادل‌شاه (۱۴۸۹ تا ۱۵۱۰ م)، که توسط دولت عثمانی تبعید شده بود و با اسماعیل صفوی ارتباط داشت، زمانی که خبر پیروزی صفویان را شنید، تشیع را به عنوان مذهب اصلی و رسمی دکن اعلام کرد. اعلان این خبر باعث تشویق عده زیادی از ایرانیان برای مهاجرت به سوی دکن شد و عادل شاهیان آنها را به عنوان سرباز یا کارگزاران تشکیلات دربار به کار گماشتند. عادل‌شاهیان، صفویان را به عنوان پادشاهان ایده‌آل خود در برابر امپراتوران سنی مغول دهلی یا آگرا می‌شناختند. این احترام به خاطر فاصله زیاد آنها از ایران صرفاً تشریفاتی باقی ماند. از سال ۱۵۸۲ م، بزرگان سنی دکن دوباره به قدرت رسیدند. در ۱۶۳۶ م امپراتور مغول، شاهجهان، عادل‌شاه را مجبور به پرداخت خراج نمود، و اورنگ زیب، بیجاپور را در ۱۶۸۶ م به امپراتوری مغول ضمیمه کرد.

استحکامات نظامی دیگر شیعیان در دکن، قلمرو قطب شاهیان در گلکنده (۱۵۱۲ تا ۱۶۸۷ م) بود. سلطان‌قلی، که ماجراجویی ترکمن و از همدان بود، ابن پادشاهی را بنیان نهاد. فرمانروایان سلطنت قطب ناهیه حمایت شدید خود



شیعیان رپوده و عصب کرده بودند، رهایی بخشید. اما فتوحات مغولها در آن دو قلمرو نتوانست جابجایی و جانشینی کاملی از بزرگان شیعه را در مکانهای دیگر نتیجه دهد. یکبار به خاطر مصالح سیاسی و نظامی، به اشراف شیعه اجازه داده شد تا حق ویژه واگذاری زمینهای خود را نگهدارند و در اجرای مراسم مذهبی شیعه مجاز باشند. نعمت‌خان عالی (۱۷۱۰-۱۶۴۰ م) و عبدالرزاق لاری نمونه و مصداق رفع اختلاف بین دو گروه از مسلمانان است. نعمت‌خان، شاعر نازک‌طبعی که امپراتور اورنگ‌زیب را در اشعار پرخاشگرانه‌اش به تلخی هجو کرده است، در ملاقاتی با اورنگ‌زیب توبه کرد و بعدها مدیحه استادانه‌ای در وصف سلطان منول سرود. به همان صورت، لاری نیز وی را به عنوان قهرمان دکنی در آخرین دفاعش از گلکنده در شعر و نثر ستود و الزاماً وظیفه خود را در خدمت به مغولان انجام داد. نیز حکمران جاه‌طلب دکن از سده‌های میانه تا پیدایش سلسله بهمنی علیه حکومت مرکزی سلاطین (دهلی) شورش کرد، در حالی که حکمران وظیفه‌شناس دیگر دکن، نظام‌الملک آصف‌جاه پس از محو اصلاحات در دربار دکن، سلسله آصف‌جاهیان را در ۱۷۲۰ م تاسیس کرد. در کمتر از چهار دهه بعد از فتوحات مغولان، دکن دوباره استقلال داخلی خود را به دست آورد. تحت نفوذ شیعیان، دیوان (وزارت) آصف‌جاه دوم، امیرنظام علی‌خان، شیعیان قدرت بیشتری به دست آوردند. در خلال وزارت رکن‌الدوله (۱۷۶۴-۷۵ م)، ارسطو‌جاه (۱۷۷۹-۹۵ م) و عبدالقاسم سیدمیرعالم (۱۸۰۴-۰۸ م) دوباره سرپرستی و حمایت دربار از اعتقادات شیعه فزونی یافت: عاشورخانه‌های جدید ساخته شد یا آنهایی که کهنه شده بودند، تعمیر گردید و مراسم عمومی تشریفات محرم شدت گرفت. در سده نوزدهم، سالار جنگ و جانشینانش به وزارت رسیدند و موقعیتهای تاثیرگذاری در حکومت دکن به دست آوردند. در سده بیستم، شیعیان چهار پست (دیوان) از ده پست دربار را اشغال کردند.

در حقیقت از یک نظر بخش سیاسی دربار نظام کاملاً توسط کارکنان شیعی اداره می‌شد و این امر باعث شده بود که از دید بذله‌گویان محلی واژه سیاسیه (سیاسی) به عنوان محکمه سیاسیه (یا بخش شیعی)! تلقی گردد.

این قبیل کارکنان امروزه نیز، در تمام بخشهای اداری دکن حضور دارند. بیشترین جمعیت شیعی در شهر

حیدرآباد ساکن هستند. غیر از شیعیان بومی در حیدرآباد، جماعت شیعی ایرانی اندک و در عین حال مرفه، تا حدود چند صد نفر، در شهرهای حیدرآباد، بنگلور، پونا و بمبئی وجود دارد که بیشتر آنها دارای فروشگاههای نان‌پزی (بیگری) یا رستوران (غذائوری) هستند. اینان حدوداً در اواخر دهه سال ۱۹۴۰ م و اوایل دهه ۱۹۵۰ م وارد حیدرآباد شدند و اندک‌اندک به جمعیت آنها افزوده شد. به منظور پاسخگویی به نیازهای اداری گوناگون آنها، دولت ایران در سال ۱۹۶۹ م کنسولگری ایران را در حیدرآباد تاسیس کرد، که وظیفه اصلی آن حمایت از ایرانیان مقیم در چهار ایالت جنوب هند بود.

روابط شیعه و سنی و تاثیر آنها بر یکدیگر

با توجه به تاریخ طولانی در روابط تیره بین دو گروه شیعه و سنی در شهر لکهنو و دیگر مناطق شبه قاره، روابط آنها در دکن نسبتاً مسالمت‌آمیز بوده است. پرسش این است که چه عواملی را می‌توان برای این پدیده در نظر گرفت؟ دلایل زیادی وجود دارد: اولاً باید گفت: قدرت سیاسی و نظامی در دکن دقیقاً به طور مساوی بین دو گروه مزبور تقسیم شده است. از آن جا که در



خلال دوران حکومت بهمنیان، کشمکش تلخی بین دو گروه دکنی و آفاقی باعث پیروزیهای مساوی دو گروه بر یکدیگر شد، از این رو موازنه قدرت برای هر دو به دست آمد. دوم آنکه، تصوف یا همان صوفیگری نسبت مساوی برای هر دو گروه به منظور پیروی از حضرت امام علی (ع) به عنوان اسوه تقوا و شجاعت به وجود آورد. طریقه تفصیلیه توسط همه مقلدان صوفیگری دنبال شد، اما نقشبندیه که تحت نفوذ شیعه بود، هر چند با آن مخالفت ورزید اما این امر نتوانست بین دو گروه روابط تلخ ایجاد کند. هند، برخلاف اغلب کشورهای عربی، سرزمینی آزاد برای تبلیغ شیعه بود. همچنین برخلاف دیگر کشورهای سنی مذهب، در مساجد هند، در خطبه‌های نماز جمعه نام اهل‌البیت (ع) ذکر می‌شد. این دو گروه شیعه و سنی خود را به عنوان برجسته‌ترین اقلیت‌ها، در دریای پهناور هند، در دکن معرفی کردند و بقای آنها توسط اسلام مستحکم‌تر شد. تبری (یا لحن کردن سه خلیفه اول) در دوران جدید، بجز در لکهنو در جای دیگری از هند شنیده نشده است، در عوض «چهارپاری» یا مدح صحابه، در بیان ارزشهای چهارخلفای راشدین صورت می‌گیرد.

در نتیجه، فقط شدت در رفتار شخصی هر یک از شیعیان

یا اهل سنت ممکن است باعث بی حرمتی به دیگری در خلال حضور ششصدساله مسلمانان در دکن شده باشد. بنابراین بیانیه سلطان بیجاپور، در اوایل سده ۱۶ م در مورد شیعه‌گری به عنوان مذهب رسمی دربار باعث اعتراض اهل سنت شد و در نتیجه نزاع بین دو گروه در گرفت و موجب بروز آشوب در حیدرآباد شد. حمایت و تلاش ستیان متعصب در نشان دادن «یوم‌الموابه» همیشه در فضایی نفرت‌آمیز و متشنج برگزار می‌شد که این امر بروز تنش میان دو گروه را باعث شد. هر چند چنین نمونه‌هایی اندک است. این شکل از فرقه‌گرایی و آشوب در دکن ناشناخته بود. کوکب صدیق، نویسنده پاکستانی، در سپتامبر ۱۹۸۷ میلادی در روزنامه Trend New [گرایش جدید]، چاپ واشنگتن دی‌سی، فهرست مفیدی از داستانهای دو گروه را انتشار داده است. مسلمانان سنی دکن نیز همانند سایر گروه‌ها، سهمی مساوی از این داستانها نسبت به شیعیان داشتند. برای نمونه، سقوط سلطنت شیعیان در دکن است. در این رابطه گفته شده است که آنها در مقابل دشمنان اسلام به کشورشان خیانت کرده‌اند. یا اغلب مثالهایی در خصوص میرصدیق (دیوان تیپوسلطان از میسور)، میراعظم (دیوان حیدرآباد) و میرجعفر (دیوان سراج‌الدوله) ذکر می‌شود، یا خانواده بلگرامی که همگی متهم به حمایت از دولت هند و انگلیسی‌ها در برابر اهل سنت هستند و به جرات می‌توان گفت که تحت شرایط محیط مجبور به تقیه بودند. بی‌قیدی در امورجنسی نیز به شیعیان نسبت داده شده که هر چند ممکن است بخشی از آن ناشی از مرگ زوجه به حساب آید اما سرعاً متعه به عنوان ازدواج موقت، عملی پذیرفته شده است.

بیشتر اهل سنت، شیعیان را به عنوان مرتد یا بدعت‌گذار قلمداد می‌کنند، اما نمونه حسن نیت از دو طرف فراوان دیده می‌شود. زیرا شعرهای دکنی و اشعار جدید اردو هر دو سرشار از «متنقتب» هستند؛ یعنی شعرهایی در ستایش امام علی (ع) و مرتبه درخصوص صبح روز شهادت امام حسین (ع) که توسط شاعرانی از هر دو گروه (شیعه و سنی) سروده شده است، به همان نسبت اشعاری نیز در وصف خلفای راشدین توسط شیعیان سروده شده است. با وجود پذیرفته شدن تشیع توسط چندین پادشاه و اعضای از اشراف و نجیبان دکنی، این مذهب در قالب اقلیتی کوچک باقی ماند. جمعیت مسلمانان در این



مناطقه که تحت نفوذ شیعیان هم بودند، عقاید شیعه را کاملاً نپذیرفتند. شرکت ستیان در مراسم محرم محدود به کار طبقاتی یا به قسمت کوچکی از اشراف شد. ستیان طبقه متوسط از شرکت در مجالس محرم در حیدرآباد کناره‌گیری کردند، همان‌گونه که امروز طبقات متوسط هندو در حیدرآباد عمل می‌کنند، از این رو جای تعجب نیست که اگر نوحه‌سرایی‌های مردمی محرم در قالب اصلی زبانهای دکنی از جمله تلگو، مرآتی و کنده [کندی] شنیده می‌شود. فاصله‌های اجتماعی بین شیعه و اهل سنت هرچند زیاد نیست، اما هنوز دو گروه نماز جماعت را در مساجد مجزا برگزار می‌کنند. در زمان حکومت آصفجاهیان در دکن به مساجد شیعیان اجازه اذان گفتن داده نمی‌شد. این امر تا زمانی که حیدرآباد ضمیمه دولت هند مرکزی شد، ادامه داشت و بعد از آن بود که شیعیان توانستند آزادانه و بر طبق اصول و عقاید فقهی خود اذان بگویند.

ازدواج نیز بین اعضای دو گروه هر چند غیرمعمول نیست، اما به طور وسیع در گذشته یا حال صورت نمی‌گیرد. شیعیان و اهل سنت در زبان و ادبیات اردو، سبک صنایع ظریفه و هنر معماری، سهم مشترکی از زبان و میراث فرهنگی دارند. وضعیت اقتصادی دو گروه نیز از نظر حرفه شبیه به یکدیگر است. بیشتر اعضای دو گروه به عنوان مردان شمشیر یعنی پلیس یا نظامی، مردان اهل قلم یعنی منشی یا کارکنان تشکیلات اداری مشغول به کار هستند. بقیه این جمعیت را طبقه متوسط یا خدمتگزاران اشراف فتودالی تشکیل می‌دهند. برخلاف قسمت شمال هند، دکن دارای جمعیت مشخصی از مسلمانان هنرمند نیست، همچنین طبقه بازرگانان مشخصی ندارد.

نحوه برگزاری محرم

از نظر شیعیان، شهادت حضرت امام حسین (ع) در کربلا نشانگر راستی و حقیقت و فروتنی وی در برابر اراده الهی است که حتی به قیمت تمام شدن جانش در راه خدا برای نجات بشر صورت گرفت.

امام حسین (ع) با قربانی کردن خویش در راستای آزادی و سربلندی دین خود، خود و خانواده‌اش را به عنوان انسانهایی آزاده که زجر بسیار کشیده‌اند، معرفی کرد. در میان شیعیان، «حسینیته»، واژه‌ای که به عنوان سمبل شجاعت و شهادت امام حسین (ع) و یارانش به کار می‌رود، مرکزی مذهبی قلمداد می‌شود. از این رو

یابندی و شرکت در حسینیه از نظر شیعیان همان تعهدی است که اهل شیعه از آن به عنوان عمل و رفتاری منجی یاد می‌کنند. این اعمال به عنوان یادآوری و ستایش از امام حسین (ع) و عزاداری برای اوست، که گاهی اوقات شرکت‌کنندگان در این مراسم با زجر دادن خود و ریاضت کشیدن، ارادت فراوان خود را به امام حسین (ع) ابراز می‌دارند. هرساله در دهه اول محرم تمام وقیعی که در آن ده روز اتفاق افتاده، یادآوری می‌شود و با احیا شدن این وقایع هیجان خاصی به مردم دست می‌دهد. مردم در دسته‌های منظمی عزاداری می‌کنند و با آهنگی موزون سینه می‌زنند و حتی بر خود تازیانه زده و نماز مقبره امام حسین (ع) (یعنی تعزیه) را بردوش می‌کشند و در کنار آن گریه می‌کنند و به تابوت، علم، کتل، پنجه و دُلْدُل یا ذوالجناح (اسب امام) ادای احترام می‌کنند. زنان نیز لباس سیاه برای عزاداری می‌پوشند و خود را از آرامش و آسایش محروم می‌کنند؛ عده زیادی حتی در این ایام روزه می‌گیرند؛ همچنین در این ایام عرہی برگزار نمی‌شود؛ پرهیز از اعمال جنسی هم امری عادی است. به یاد شهیدان تشنه لب کربلا، شربت و آب خنک نذر می‌کنند. بعد از دفن شبیه شهیدان در کربلای محلی، محرم در مراسم آئینی بزرگی به روز عاشورا، در نیمروز، می‌رسد. صیالح جمع‌آوری شده اضافی نیز برای محرم بعدی ذخیره می‌شود.

این مراسم که به طور یکسان در هر محرم انجام می‌شود، نشاگر یا سمبل مذهبی عاشورا است که «مجلس» نامیده می‌شود. این گونه مجالس عموماً در خلال ده روز اول محرم ادامه می‌یابد، که شب آخر آن، یعنی بعد از مراسم تدفین، شام غریبان است. به علاوه برگزاری این مجالس از نظر شیعه به معنی زنده نگهداشتن یاد ایام محرم است. در حقیقت این مجالس در زندگی مذهبی شیعیان در تمام زمینه‌های اجتماعی، خصوصی و عمومی، در میان تمام طبقات اجتماعی، مرد و زن، مستقیم و غیرمستقیم، تأثیر گذار است.

فقط عده کمی از گروههای شیعه، ماه محرم را با اندکی اختلاف نسبت به دیگر گروهها در شبه قاره، برگزار می‌کنند. دلیلش شاید به خاطر توسعه اندک رسوم خاص آن منطقه باشد. علم در دکن برجسته شده که نقطه مقابل تعزیه در دیگر قسمتهای شبه قاره است. حیدرآباد به نعل اسبی می‌بالد که گفته می‌شود متعلق به اسب جنگی امام حسین (ع) در روز عاشورا در کربلاست.

نتیجه گیری

شیعیان دکن یکی از کهن‌ترین گروههای بزرگ مذهبی در شبه قاره هستند. آنان خود را مؤمن معرفی می‌کنند (که همان معتقدان به خدا معنی می‌دهد). اهل سنت آنان را با نامهای «اهل تشیع»، «فرقه جعفریه»، و یا «فرقه امامیه» می‌شناسند. این فرقه در ابتدای مهاجرت به دکن با حکومت بهمنیان در میانه سده ۱۴ م مواجه شد. در آغاز سده ۱۵ م و بعد از پیروزی صفویان در ایران، بسیاری از حاکمان برجسته و اهل دربار دکن به مذهب سنی وفادار ماندند؛ زیرا شیعیان قدرت را بین امپراتوری بهمنیان و جانشینانشان تقسیم کرده بودند؛ نیز در دوران پادشاهی اصفجاییان حکومت بین شیعیان و اهل سنت تقسیم شده بود. از این رو رقابت فرقه‌گرایی بین این دو گروه تنها در آوَدَه وجود داشت و در دکن چنین چیزی وجود نداشت. بیشتر شیعیان اساساً عملی یا رفتاری خلاف دیگر فرقه‌های اسلامی به خاطر وضعیت ناپایدار جماعت مسلمانان به طور کلی در دریای گسترده جمعیت هندوی در دکن، انجام نداده‌اند.

منابع پیشنهادی برای مطالعه تاریخ شیعه در دکن

- خان زمان خان، غلامحسین: تاریخ اصفجاییان، به کوشش دکتر محمدمهدی توسلی، اسلام آباد ۱۳۲۷ ش؛



- شیرازی، میرزا نظام‌الدین: حقائق السلاطین قطب شاهیہ، به کوشش سیدعلی اصغر بلگرامی، حیدرآباد، ۱۹۶۱.
- نورالله: تاریخ عادل شاهی، به کوشش ابونصر محمدخالدی، حیدرآباد ۱۹۶۴.

- زبیری، میرزا ابراهیم: تاریخ بیجاپور مسمی به بستان السلاطین حیدرآباد، ت. ۱؛
- رضیه اکبر: نظم و نثر فارسی در زمان قطب شاهی، حیدرآباد ۱۹۲۸ م؛
- عالی، نعمت‌خان: وقایع نعمت‌خان عالی، لکهنو ۱۸۹۶؛ نیز:

پی‌نوشتها

۱. Prof. Umar Khalidi, "Glances on Shiite Deccan Culture", Rivista studi Orientalia, Vol LXIV, Rome 1991, pp. 5-16

۲. پروفیسور دکتر عمر خالدی، نویسنده و محقق مسلمان هندی، استاد دانشگاه ماساچوست (آمریکا)

۳. دکتر محمدمهدی توسلی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان و رئیس پیشین پژوهشکده مطالعات شبه قاره

۴. Awadh, آوَدَه نام قدیم شهر لکهنو و مرکز شیعیان هند. [مترجم]